

پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه‌ی شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)

رضا حسنی^۱

حسین قدرتی^۲

مهناز امیرپور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۶/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کشف پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه و استفاده از رویکرد تحلیل تماتیک انجام شده است. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌ی عمیق با ۲۲ زن مطلقه در شهر مشهد که در فاصله‌ی سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ طلاق گرفته اند، به دست آمده است. برای گردآوری داده‌ها، از شیوه‌ی نمونه‌گیری نظری و هدفمند استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده است. نتیجه‌ی پژوهش دستیابی به پیامدهای طلاق برای زنان در سه سطح خرد، میانه و کلان است. نتایج این پژوهش نشان داد که علی‌رغم مشکلات فراوانی که طلاق برای زنان به دنبال دارد پیامدهای مثبتی نیز برای آنان به همراه دارد. هرچند که هنوز هم تمامی زنان نیاز به حمایت را احساس می‌کنند و از تنهایی در زندگی به شدت ناراحتند. تعداد زیادی از زنان با وجود مشکلات بسیاری که در زندگی قبلی داشته اند اما هم چنان تمایل به ازدواج مجدد دارند و این امر نشان دهنده پایبندی زنان به خانواده و ارزشمند دانستن خانواده برای آنان است. زنانی که به علت دارا بودن حضانت فرزند امکان ازدواج برایشان فراهم نیست، با وقف خود برای فرزندان شان سعی می‌کنند از برچسب خوردن در جامعه رهایی یابند.

واژگان کلیدی: پیامدها، طلاق، زنان، تحلیل تماتیک

مقدمه

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات دانشگاه آزاد قوچان - Email: rezahassani۶۲@yahoo.com

^۲ - استادیار جامعه‌شناسی مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و مطالعات اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری -

Email: hosseinghodrati@yahoo.com

^۳ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت جام Email: mahnaz.amirpoor@yahoo.com

در دو دهه‌ی اخیر و با گسترش زندگی شهرنشینی، افزایش ظواهر نوگرایی و تغییر شیوه زندگی مردم از سنتی به جدید با ورود و توسعه و گسترش وسایل ارتباطی نوین، نظام خانواده در ایران دستخوش تغییراتی شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت این تغییرات با خود آسیب‌های فراوانی به همراه داشته است؛ افزایش آمار طلاق به میزان قابل توجه و نگران‌کننده، یکی از این آسیب‌هاست. بر پایه آمار و اسناد سازمان ثبت احوال، در ثبت واقعه ازدواج و طلاق استان خراسان رضوی بعد از استان تهران رتبه دوم را از نظر تعداد کل دارا می‌باشد (سازمان آمار ایران). طلاق امروزه تبدیل به یک مسأله‌ی اجتماعی شده و توجه بسیاری از اندیشمندان در هر زمینه‌ای را به خود جلب کرده است «طلاق پدیده‌ای فرهنگی است و همچنین از دیدگاهی یک پدیده ارتباطی است. بدین سان در جامعه‌ای که فاقد ارتباطات سالم، درست و طبیعی است، پیوند یک رابطه زناشویی نیز استثناء نیست» (صدرالاشرفی و همکاران، ۱۳۹۱).

مسئله هر شرایطی برای کنشگران پیامدهایی به همراه دارد و از آنجا که زنان به تبع جامعه‌پذیری وابسته‌تر از مردان بار می‌آیند و نیز به علت همین جامعه‌پذیری نسبت به مردان متعهدتر به خانواده بار می‌آیند، پس با قرار گرفتن در موقعیت مطلقگی با مشکلاتی مواجه می‌گردند که پیامدهای عرضی پدیده طلاق است، طلاق پدیده مذمومی است، که نه تنها بر خانواده بلکه بر پیکره‌ی اجتماع نیز آسیب‌های فراوانی وارد می‌کند به گونه‌ای که حاصل آن، خانواده‌ی از هم گسیخته می‌باشد که موجب ایجاد بسیاری از معضلات اجتماعی مانند کودکان و زنان بی سرپرست، فرار کودکان از خانه و افزایش سایر بزهکاری‌ها می‌گردد.

این پیامدها را می‌توان با استمداد از پارادایم تفسیری بهتر شناخت؛ در این رویکرد معنایی که نزد کنشگر است برای محقق مکشوف می‌گردد. درست است که در این حیطه، پژوهش‌های زیادی انجام شده است، اما پژوهش حاضر سعی می‌کند از منظری جدید به درک اشخاص نزدیک شود و درک آنان درباره طلاق را بکاود و تصویر درستی از آن به دست دهد؛ از این رو درصدد یافتن پیامدهای طلاق از این دیدگاه هستیم؛ بدین جهت سوال اساسی این تحقیق این است که پیامدهای طلاق برای زنانی که اقدام به آن کرده‌اند، چیست؟

طلاق پدیده‌ی مذمومی است که نه تنها بر سلول جامعه - خانواده - که بر پیکره اجتماع آسیب‌های فراوانی وارد می‌کند؛ از طرفی مولود طلاق - خانواده از هم گسیخته - نیز موجب ایجاد بسیاری معضلات اجتماعی مثل کودکان و زنان بی سرپرست، فرار کودکان از خانه و افزایش سایر بزهکاری‌ها می‌گردد. حال ضروری می‌نماید پیامدهای این پدیده بر کنشگران در رابطه با این پدیده شناسایی گردد. اما از آنجا که به دست آوردن علم و حقیقت تنها با حدس و گمان میسر نیست لزوم استفاده از متد علمی نمایان می‌گردد. در اهمیت پژوهش حاضر می‌توان به این موضوع اشاره داشت که طلاق به همراه خود برای زنان پیامدهایی دارد، پژوهش‌های این چنینی در افزایش آگاهی بخشی به جامعه در خصوص وضعیت و شرایط خاصی که زنان مطلقه با آن مواجه هستند، کمک نماید.

هدف پژوهش

هدف کلی مقاله‌ی حاضر، نمایاندن پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه است.

پیشینه پژوهش

شیخی و همکاران (۱۳۹۱) مقاله‌ای با عنوان «درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن» نگاشته‌اند. این پژوهش نیز با استفاده از راهبرد نظریه‌مبنایی است. ۳ دسته عوامل به عنوان مقولات اصلی و در عین حال مرتبط با هم برای به وجود آمدن پدیده طلاق شناسایی شده اند که عبارتند از: ناهمخوانی تبیینی، ناهمخوانی معنایی و ناهمخوانی به روز شدن.

صادقی فسایی و ایثاری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی» به بررسی درک کنشگران از ابعاد گوناگون زندگی پس از طلاق به تفکیک جنسیت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد طلاق برای زنان پیامدهای متعددی در حیطه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی، جنسی، ارتباطی و فرزندان به همراه دارد. همچنین این پیامدها برای زنان و مردان متفاوت است.

مولینا (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تجربه طلاق زنان اروپایی - آمریکایی» به بررسی تأثیر پدیده طلاق بر زنان مطلقه پرداخته است. او نتیجه می‌گیرد زنان مطلقه در معرض مشکلات مالی و احساسی‌اند؛ چرا که از حقوق کم و حمایت نکردن فرزندان و کمبود خرجی در رنج هستند. عوامل فرهنگی از قبیل اعتقاد به خدا، اخلاق کاری و روابط خانوادگی بسته و تلاش برای رسیدن به موفقیت، از عوامل تغییر در نگرش به طلاق است.

شالک ویک (۲۰۰۲) در مقاله «بررسی تجربه پس از طلاق: بازسازی مفهوم خود از سوی زنان» به بازسازی تجربه‌ی اجتماعی زنان از طلاق پرداخته است. او با استفاده از راهبرد پژوهش کیفی و تکنیک مصاحبه با ۴ زن که مطلقه شده‌اند، به این نتایج رسیده است: زنان پس از جدایی به آرامش دوباره رسیده و راه منحصر به فردی برای بازسازی مفهوم خود در پیش گرفته‌اند. زنان مطلقه، اغلب با دامنه‌ای از گفتمان‌هایی روبرو می‌شوند که باعث تجربه تضادها و از دست دادن موقعیت اجتماعی خود است.

کاواس (۲۰۱۰) در رساله دکتری خود با عنوان «تجربه بعد از طلاق برای زنان دارای تحصیلات بالا و متخصص» به بررسی تجربیات ۳۱ زن مطلقه در ترکیه با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌مبنایی پرداخته است. براساس یافته‌های ایشان، هرچند طلاق باعث مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شود، اما از طرفی زندگی را بهبود می‌بخشد.

روش‌شناسی

در بین روش‌هایی که در علوم اجتماعی مرسوم است روش‌های کیفی، به فهم دقیق کنش انسان‌ها و طرز نگاهشان، بیشتر تریاری می‌رساند. روش پژوهش حاضر، کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل تماتیک انجام شده است. این روش ضمن اینکه خود یک روش مستقل تحلیلی است، می‌تواند در روش‌های دیگر تحلیلی نیز به کار رود (محمدپور، ۱۳۵: ۱۳۸۸) به عبارتی می‌توان گفت این تحلیل نوعی

سنخ شناسی ارائه می‌دهد. یعنی به عبارت دقیق‌تر «در نهایت باید تحلیل تماتیکی به اشباع نظری برسد. اشباع عبارت است از همگرایی مفهومی؛ محقق باید بررسی کند که آیا کدها، تم‌ها، الگوها و سنخ شناسی‌ها تا حد امکان از نظر مفهومی اشباع شده‌اند یا خلاً مفهومی وجود دارد» (Shank, 2006: 150) به نقل از محمدپور، ۱۳۹۹: ۱۳۸۸) برای این منظور با کدگذاری متن آغاز می‌نماییم؛ کدگذاری یعنی بر چسب دادن به متن مصاحبه شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی است؛ معمولاً اولین قدم، کدگذاری باز است بدین معنا که برچسبی به متن مصاحبه داده می‌شود. در گام بعدی همه برچسب‌ها یا مقولاتی که به نحوی شبیه هم هستند، حول یک محور قرار می‌گیرند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). برای رسیدن به این منظور با اولین مصاحبه شروع کرده و به مفاهیم مصاحبه برچسبی داده می‌شود؛ پس از اینکه چند مصاحبه به این صورت برچسب‌گذاری یا به اصطلاح کدگذاری باز می‌شوند، مقولات آماده کدگذاری محوری می‌شوند. در این مرحله تقریباً مقولات شناسایی می‌شوند.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد (معادل اعتبار و روائی در تحقیقات کمی)، از سه تکنیک متعارف و بسیار مرسوم استفاده شده است که عبارتند از:

الف) کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که در این روش، از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند. ب) مقایسه‌های تحلیلی به این معنی که به داده‌های خام رجوع می‌گردد تا ساختبندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی گردد. ج) استفاده از تکنیک میزبانی که در این زمینه، چند متخصص در کار، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت دارند.

انتخاب نمونه در پژوهش کیفی تابع روند تحقیق است و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری صورت می‌گیرد.

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند استفاده شده است. برای این منظور تعداد ۲۲ زن مطلقه ساکن شهر مشهد، که حداقل یک بار طلاق را تجربه کرده و در بازه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند، به عنوان مشارکت‌کنندگان این تحقیق انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختمند، گردآوری شده و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده است.

ویژگی‌های جمعیت شناختی زنان پاسخگو

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۲۲ زن در بازه‌ی سنی ۲۱ تا ۳۵ سال هستند. حدود یک سوم مشارکت‌کنندگان ۳۵ سال سن دارند. تحصیلات این زنان، بین مقطع ابتدایی تا کارشناسی ارشد متغیر است؛ پنجاه درصد پاسخگویان تحصیلات خود را دیپلم بیان کرده‌اند. مشاغل این زنان عمدتاً به دلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه، از نوع مشاغل خدماتی سطح پایین است و تنها حدود یک چهارم آنها شغل خود را کارمندی ذکر کرده‌اند. تعداد فرزندان زنان بین ۱ تا ۳ فرزند است که البته ۲ نفرشان صاحب فرزند نشده‌اند. حدود ۴۰ درصد زنان صاحب ۱ فرزند و ۴۰ درصد نیز صاحب دو فرزند هستند.

پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه‌ی شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)

دو تن از زنان در جریان مصاحبه اعلام کردند که دوبار ازدواج داشته اند. یکی از آنها دومین بار هم جدا شده و اکنون با دو فرزند که حاصل دو ازدواج هستند زندگی می‌کند و دیگری هرچند از ازدواج مجددش رضایت چندانی ندارد اما به خاطر نگرانی از برچسب‌های جامعه در زندگی کوتاه می‌آید. یکی از زنان بیان می‌کند که پس از جدایی برای چند مدتی از راه روابط غیر مشروع گذران زندگی می‌کرده است و فرزندى دارد، حاصل رابطه نامشروع که حتی نمی‌داند پدر فرزندش کیست اما پس از تولد فرزند به خانواده خاستگاهش پناه برده است. در بین مشارکت کنندگان تنها ۳ تن بوده اند که بیان کرده اند، با اجبار و خواست همسر جدا شده اند و مابقی متفق‌القول بیان کرده اند که اقدام به جدایی با اصرار خودشان بوده و حتی خودشان شروع به طی کردن مراحل قانونی جدایی کرده اند.

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان
۱	امیرا	۲۹	فوق لیسانس	پاره وقت	۱
۲	فاطمه	۳۳	لیسانس	جویای کار	۱
۳	الهه	۲۹	فوق دیپلم	کارمند	۱
۴	محبوبه	۲۷	لیسانس	آزاد	۱
۵	ناهید	۳۰	دیپلم	کارمند	۲
۶	ستاره	۳۳	دیپلم	منشی	۱
۷	مریم	۳۵	سیکل	خیاط	۲
۸	اعظم	۳۵	ابتدایی	شغل خانگی	-
۹	سارا	۳۳	فوق لیسانس	دانشجو	۲
۱۰	رویا	۲۹	دیپلم	بازاریاب	۲
۱۱	الهام	۲۹	دیپلم	آرایشگر	۱
۱۲	منا	۲۱	دیپلم	آرایشگر	-
۱۳	فریبا	۳۵	دیپلم	آرایشگر	۲
۱۴	شیرین	۳۳	فوق لیسانس	کارمند	-

۱۵	اکرم	۳۵	سیکل	شغل خانگی	۲
۱۶	نرگس	۳۵	دیپلم	کارگر	۲
۱۷	زهرا	۳۵	سیکل	خانه دار	۲
۱۸	مهرانه	۲۶	سیکل	شغل خانگی	۱
۱۹	مهناز	۳۴	دیپلم	خانه دار	-
۲۰	لیلا	۳۵	دیپلم	کارگر	۳
۲۱	پروانه	۳۵	لیسانس	خانه دار	۲
۲۲	تکتم	۲۹	فوق دیپلم	کارمند	۱

یافته ها

در این پژوهش براساس تحلیل‌های انجام‌گرفته، درک‌گذاری نظری، پیامدهای طلاق برای زنان در سه سطح دسته‌بندی گردید: سطح خرد، سطح میان فردی و سطح کلان.

پیامدهای سطح خرد

مقصود از پیامدهای سطح خرد آن دسته از پیامدهای مثبت و یا منفی است که زنان مطلقه در ارتباط با نزدیکان و یا ماوراء و یا به طور روانی و فردی با آنها مواجه گشته و آنها را تجربه می نمایند.

احساس از دست دادن عمر

زنان پس از جدایی به این می‌اندیشند که، زندگی با همسر سابق نه تنها برای‌شان دستاوردی نداشته که باعث هدررفتن عمرشان نیز شده است.

محبوبه: «احساس می‌کنم ۵ سال از عمرم و الکی هدر دادم. خیلی افسوس می‌خورم، شدید که چرا با این ازدواج کردم، یا اگه ازدواج کردم چرا بچه آوردم؟ بچم الان چی میشه؟»

فریبا: «کاش زودتر جدا می‌شدم چون واقعاً مریض بود و دست خودشم نبود».

پروانه: «فقط چند سال خوب عمرم سوخت».

احساس ضرر مالی

یکی از مضراتی که زندگی مشترک برای زنان داشته است، ضرر مالی و از دست دادن سرمایه‌های اقتصادی است.

محبوبه: «پولم چرا، واقعاً برام مهم بود چون پول زحمت کشی خودم بود. ۲۰ میلیون هم کم پولی نیست، زحمت کشیده بودم».

اعظم: «اگه الان طلاهامو که اون فروخت، داشتم می‌تونستم برای خودم خونه بخرم، یا جهازمو که فروخت، الان برای بچه هام استفاده می‌کردم».

امیرا: «هرچی داشتیم به باد داد، کاش فقط همین بود، کلی هم قرض بالا آورده».

احساس تنهایی

زهرا: «۳،۴ ماهی یکبار آنقدر احساس نیاز می‌کنم که ای کاش شوهرم کنارم بود. وقتی فکر می‌کنم برم با یکی بریزم روهم، باز می‌گم برای این چیزا بری؟»

نرگس: «هیچ کسو تو دنیا ندارم، هیچکس نمی‌فهمه یه زن تو موقعیت من چی می‌کشه؟»

ناهید می‌گوید:

«چکار می‌تونی بکنی؟ بعضی وقتا احساس خلا بیش از حد می‌کنم یکی باشه صحبت کنی، احساس می‌کنی یکی باشه همزیون باشی، هم صحبت باشی، خوب خیلی فرق می‌کنه همش بخوای با هم جنس خودت صحبت کنی این خلا رو شاید نتونی پرکنی. با غیر هم جنس خودتم نمی‌شه همیشه. همیشه خدا رو شکر می‌کنم از دست اون راحت شدم از اون زندگی».

احساس منفی از مطلقه بودن

برخی زنان به علت دریافت فشارهای اجتماعی و سوءرفتارهایی که با آنها به عنوان یک مطلقه شده، احساس ناخوشیاندی از جدایی دارند و آرزو می‌کنند که ای کاش در موقعیت مطلقگی قرار نمی‌گرفتند.

الهام: «اصلاً دوست نداشتم یک زن مطلقه بشم. دوست داشتم زندگی کنم. دوست نداشتم تو جامعه این طوری تنها باشم. خیلی احساس بدی دارم، جامعه خیلی برخورد بدی می‌کنه».

شیرین: «از جداییم ناراحتم، برای بعضی مشکلات ارزش داره مرد داشته باشی، مثلاً نگاه مردم»

ناهید می‌گوید: «به همه نگفتم ولی دوستانم می‌دونن. فامیلام تازه فهمیدن. خیلی خانواده تو داری هستیم. دوست نداریم انگشت نمای کسی باشیم. بابام خوشش نیامد، دلیلی نمی‌دونه. من شخصا دوست ندارم کسی بدون به خاطر اینکه حرف و حدیثی پیش نیاد. یک درصدم که بخوانن پرسن من حوصله جواب دادن ندارم».

هم چنین ادامه می‌دهد: «ازتلاقم متنفرم. دوست نداشتم پیش بیاد. به خانوادم می‌گم شما مقصرین. روزی که من گفتم نه شما اصرار کردین».

هستی‌شناسی

در حوزه مشکلات مرتبط با هستی‌شناختی، به چالش‌های اعتقادی و بنیادینی پرداخته می‌شود که زنان مطلقه در ارتباط با جهان هستی، سرنوشت، خدا و ... مواجهه می‌گردند. برخی زنان در اثر تجربه به خدا نزدیک‌تر شده و ارتباطات قوی‌تری با ماورا برقرار می‌کنند اما تعدادی هم با خدا درگیر شده و شاکی‌اند که این سرنوشتی نبوده که استحقاقش را داشته‌اند.

لیلا: «لان رابطه‌ام با خدا بهتر شده ...»

شیرین: «وقتی تنهایی بیشتر به خدا رجوع می‌کنی، وقتی تنهایی واقعا فشار میاره، چکار باید بکنی؟»

الهه: «ازوقتی جداشدم، مفاتیح از دستم نمیفته، مخصوصاً شبا، مدام دعا می‌خونم».

مهرانه: «خدا... خدا، همیشه بهش نزدیکم، دلم می‌خواد فقط به خدا بیوندم، به سرمنشا همه‌ی هستی».

اما رویا با خدا دچار چالش است: «همش از خدا شاکی‌ام، این سرنوشتی نبود که من استحقاقشوداشتم».

مصرف رسانه‌ای

برخی مشارکت‌کنندگان، علی‌رغم دسترسی به رسانه‌ها اعلام انزجار از این رسانه‌ها کرده‌اند چرا که می‌دانند این رسانه‌ها در زندگی قبلی‌شان نقش بسیار بدی داشته است.

مهرانه: «از هرچی موبایل و ماهواره است بدم اومده، بابام ماهواره داره اما نمی‌رم نگاه کنم».

نرگس: «از موبایل متنفر شدم، دیگه گوشی ندارم».

اما در مقابل مشارکت‌کنندگانی هم هستند که نه تنها از این رسانه‌ها منزجر نیستند که تبدیل به مصرف‌کننده آنها شده‌اند و حتی یک نفرشان در جهت برقراری ارتباطات ابزارمند و شاید بتوان گفت فرا زناشویی دست به مصرف رسانه‌ای می‌زند.

پروانه: «از طریق فیس بوک با یکی آشنا شدم، وقتی دیدیم از نظر فکری مثل هم دیگه هستیم، قرار حضوری گذاشتیم وقتی از ظاهر همدیگه خوشمون اومد بیشتر قرار می‌ذاریم. خیلی هم خوشحالم دارم لذت می‌برم از زندگی با اون».

پیامدهای سطح میانه

منظور از پیامدهای میانه، آن دسته از پیامدهایی است که در سطح روابط میان فردی تجربه می‌گردد و معمولاً منفی است. «تنش با خانواده، انزجار از رسانه‌های نوین و نگرانی‌هایی در مورد فرزندان و آینده آنان» پیامدهای سطح میانه‌اند.

نگرانی از آینده فرزندان

یکی از افکار آزاردهنده که پس از جدایی به سراغ زنان می‌آید نگرانی از آینده فرزندان است. آنها که حضانت فرزند را ندارند نگران رابطه او با نامادری‌اند و آنها که حضانت فرزندان را به عهده دارند، از مشکلات اقتصادی برای فرزندان و چگونگی بزرگ کردن فرزند بدون پدر و نداشتن پاسخ‌هایی قانع‌کننده برای سؤال‌های فرزندان‌شان نگرانند.

نرگس: «می‌گم آینده ما که خراب شد مال بچه‌ها خراب نشه. کسی می‌ره خواستگاری می‌گن مامانش طلاق گرفته، دخترش چی بشه؟»

الهامه که از فرزندش جداست می‌گوید: «دل‌م برای دخترم پر می‌زنه. فقط تنها غصه‌ام دخترمه. دخترمو بده به خودم، خودم بزرگش کنم، دو سال دیگه به بلوغ می‌رسه، کی می‌خواد راهنماییش کنه؟»

فریبا: «پدر شوهرم همین مشکلو داشته مثل شوهرم، خدا کنه پسر من این جور نشه».

امیرا نگرانش را به گونه دیگری ابراز می‌کند:

«ممکنه بعدا که بچه من بزرگتر بشه بگه تو چرا این تصمیمو گرفتی؟ خصوصاً اینکه پدرش نمی‌خواست که این اتفاق بیافته ممکنه بعدا که من نمی‌تونم جلوی بچمو بگیرم که با پدرش اصلاً تماس نداشته باشه، بعدا به بچه بگه مادرت این اقدامو انجام داد و اون خواست که جدا بشیم من نمی‌تونم شخصیت پدرش براش تخریب بکنم ولیکن نمی‌دونم چه جوابی باید بهش بدم. به هر حال بزرگ کردن یه پسر بچه بدون الگوی مرد خیلی سخته».

تعارض با خانواده

این مسأله به دو شکل برای زنان مطلقه رخ می‌نماید: یا در جهت اعمال کنترلی است که خانواده پس از جدایی برای زن در نظر می‌گیرد و یا تنش است که فرزندان با خانواده خاستگاه مادرشان دارند و به تبع آن اعضای خانواده هم با زن مطلقه دچار برخی تعارضات می‌گردند.

زهرا: «داداشم میاد بچه رو می‌زنه، می‌گه تو بلد نیستی بچه تربیت کنی. به دخترم می‌گه اگه تو بابا بالای سرت بود این جور نبودی».

مهرانه: «بعضی وقتا فکر می‌کنم مامان، بابام حوصله شون سر رفته از دست بچم».

تکتم: «خونه بابام زندگی می‌کنم، بچه‌ها همه شرن، بابام مریضه، من احساس می‌کنم دارن اذیت می‌شن».

لیلا از نظارت‌های زیاد خانواده اش می‌گوید: «می‌خواهی آرایش کنی، بهت گیر می‌دن، دیر می‌ای خونه می‌گن کجا بودی؟ با کی بودی؟ زیر ذره بینی».

منا نیز چنین تجربه ای دارد: «بعضی وقتا بی خبربابا یا داداشم میان سالن بینن من سرکارم یا نه؟»

فاطمه: «اگه برام اس بیاد یا کسی بهم زنگ بزنه، مامانم سوال پیچم می‌کنه، کی بود؟ چی می‌گفت؟ چکارداشت؟ برای چی این موقع زنگ زد؟»

هرچند برخی زنان با تضعیف کنترل خانواده پس از طلاق مواجه می‌گردند اما تعداد زیادی از آنها شدت این کنترل را بیشتر احساس نموده و حتی از سمت خانواده خود هم برچسب‌هایی دریافت می‌کنند. بنابراین تمعماً به محدود کردن ارتباطات اجتماعی اقدام می‌کنند و به تبع این انزوا و سرکوب میل به برقراری ارتباط با جنس مخالف، احساس تنهایی به سراغ آنها می‌آید.

ستاره: «برای این که خانواده‌ام چیزی بهم نگوین، چادر می‌پوشم، کمتر آرایش می‌کنم».

پیامدهای سطح کلان

پیامدهایی که در سطح کلان زنان با آن مواجهند و عمدتاً تحت تاثیر گفتمان جنسیتی هستند، این پیامدها نیز هم چون پیامدهای سطح میانه، منفی ارزیابی می‌گردند

مشکلات مالی و اقتصادی

یکی از بزرگترین مشکلات زنان مطلقه، مسایل و مشکلات مالی و اقتصادی است چرا که تعداد زیادی از آنها با گذشتن از حقوق مادی خود مطلقه شده‌اند و معمولاً خانواده‌ی خاستگاهشان نیز قادر به تأمین کامل زندگی آنها نیستند. خود این زنان هم با وجود تلاش برای زندگی نمی‌توانند به طور کامل از پس مشکلات زندگی برآیند.

پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه‌ی شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)

مهرانه: «پسر من آسم داره، دارو و اسپری مصرف می‌کنه، من بیمه نیستم. بعضی وقتا حالش بهم می‌خوره یه پسر ۷ ساله خیلی سخته بغلش کنم ببرمش دکتر، بهم میگن نکن، ولی نمی‌تونم».

نرگس: «در حال حاضر مشکلات اقتصادی دارم، پول باشه همه مشکلات حل می‌شه. هیچ کس نمی‌دونه درد یه مادر با دوتا بچه گرسنه چیه»؟

لیلا: «بعد از طلاق چند ماهی رفتم شهرستان پیش خانواده‌ام، آخه نمی‌تونستم تنهایی تومشهد کار کنم و اجاره خونه بدم».

الهه: «نمی‌گم وضعم خوبه، نه، تا خرخره زیر قرضم».

تکتیم: «خودم دارم کار می‌کنم اما نمی‌تونم مستقل بشم»

امیرا نیز می‌گوید: «با این اوضاع اقتصادی، فکر نمی‌کنم بتونم مستقل زندگی کنم».

رویا: «بابام می‌گفت تا وقتی می‌تونی خونه‌ی ما زندگی کنی که خرج خودتوبدی».

ستاره: «مامانم می‌گه من خرج خودتوندارم بدم، خرج بچه مردم که دیگه هیچی».

برچسب خوردن از سوی جامعه

یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی که زنان مطلقه در تعاملات اجتماعی با آن روبرو هستند، برچسب خوردن از سوی جامعه است.

شیرین در این باره به نقش رسانه‌ها در تقویت کلیشه زن مطلقه اشاره می‌کند: «توسریالا همیشه زن مطلقه یا حسوده یا تو فکر آویزون کردن خودش به مرداست».

الهام، درحالی که سعی می‌کند بغضش را کنترل کند: «برخورد جامعه خیلی بده».

سارا: «همه به یه چشم دیگه بهت نگاه می‌کنن. من به همین خاطر با مادرم زندگی می‌کنم»، و این حرفی است که همه زنان بلااستثنا آن را بیان می‌کنند.

مهناز: «همه تا می‌فهن طلاق گرفتی، سریع می‌خوان برات شوهر پیداکنن، می‌ری مهمونی سریع می‌گن بیا صیغه‌ی فلانی بشو».

زهرا: «مردا تا بفهمن شوهرنداری می‌خوان سریع ازت سوءاستفاده کنن، مخصوصا اگه چندسال باشه شوهر نداشته باشی».

سارا: «زن مطلقه مثل ملک همه مرداست، همه برایش برنامه دارن».

بنابراین مسلم است که سایه زنی که زیر چتر حمایت شوهر قرار ندارد، بر سر جامعه سنگینی می‌کند.

با حاکمیت گفتمان جنسیتی در جامعه، برخی مردان تمتع طلب سعی می‌کنند تا به طرق مختلف به زنان مطلقه نزدیک شوند و با دادن پیشنهادهای گوناگون این زنان را برای دوره کوتاهی جذب خود نمایند و این معضلی است که تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان به نحوی با آن درگیر بوده‌اند.

لیلا: «هنوزم پیش میاد که بعضیا بهم پیشنهاد می‌دن، حتی پول خوبیم می‌دن».

رویا: «اگه بفهمن که شوهر نداری از پسر ۱۵ ساله تا پیرمرد می‌خوان ازت سوء استفاده کنن».

مهناز: «اینقدر پیشنهاد صیغه به من میدن، دوستای جون جونی مامانم برای دوستای شوهراشون می‌گن».

ستاره: «ناشده مردی بدونه تنهایی و شماره نده».

ناهید: «کسی نیست که بچه‌های منو بخواد قبول کنه، چون پیش اومده صحبت کردیم، خواستگار زیاد دارم. می‌گن دوتا دختر بچه. می‌دونم که نمی‌خواد یا می‌گه صیغه شو من هم چین آدمی نیستم، بروم که از سر راه نیومده نمی‌خوام با کسی باشم».

از طرف دیگر زنان کم‌کم می‌آموزند برای اینکه در جامعه عفیف و پاکدامن شناخته شوند در هر جمعی خود را از مردها متنفر معرفی کنند و از فقدان میل جنسی و نیاز به برقراری ارتباط با جنس مخالف سخن بگویند. این مساله در زنان مطلقه‌ای که بیش از یک سال از جدایی‌شان می‌گذشت به وضوح بارز بود درحالی که آن دسته که اخیراً جدا شده‌اند هنوز این مواضع را اخذ نکرده‌اند.

زهره: «از هر چی مرده متنفر شدم، حالا خودم تا داداش دارم، دوستشون دارم ولی می‌گم اه مرد چیه؟»

امیرا در این باره می‌گوید: «نهایتش یه آدمی میاد یه پیشنهاد بی‌شرمانه می‌ده و وقتی برخورد قاطع منو می‌بینه می‌ره دنبال زندگیش دیگه. این اتفاق برای همه‌آدما ممکنه بیفته و من می‌تونم نه به لحاظ زن بودنم که به لحاظ انسان بودنم تو این جامعه زندگی کنم».

زنان پس از مواجهه با پیشنهادهای غیر معمول مردان در جامعه، به بازتعریف دوباره‌ای از خود دست می‌زنند. آنها مجبورند به خاطر دستیابی به آنچه می‌خواهند، تعریفی دیگری از خود و شرایطشان، ایجاد نمایند. یکی از این تعاریف این است که زنان میل به برقراری رابطه با جنس مخالف را با میل سرپرستی فرزندان جایگزین نموده‌اند، یا اینکه بودن با محارم یا هم‌جنسان را به داشتن ارتباط با مردان ترجیح می‌دهند و یا کتمان کلی میل جنسی.

پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه‌ی شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)

زهرا: «خیلی بهم فشار بیاد قرآن می‌خونم و می‌گم خدایا به حدی بهم بده دست جلوی نامردی دراز نکنم. خدایا شهوتو ازم بگیر به هیچ نامردی رو نزنم».

منا: «سرمو به مشترپام گرم می‌کنم، بیشتر کار می‌کنم وقتی می‌رم خونه اینقدر خسته ام که دیگه هیچ میلی به مردندارم». مشابه همین حرف را فریبا، محبوبه، امیرا و ناهیدو شیرین نیز می‌زنند.

ازدواج مجدد و مسأله فرزندان

زنان می‌دانند که به دلیل وجود فرزندانشان شانس ازدواج مجدد برایشان خیلی کم می‌شود اما آنها حاضر نیستند تنها خود را از زندگی قبلی نجات دهند و فرزندان را به پدر یا خانواده پدری بسپارند. اما در بین مشارکت‌کنندگان یک نفر به توصیه والدینش فرزند را به پدر سپرده تا این شانس را از خود نگیرد و یک نفر دیگر هم موفق نشده حضانت فرزندش را بگیرد و از این بابت خیلی غمگین است.

الهام: «خواستگار زیاد دارم ولی می‌گن بدون بچت»

زهرا: «اومده خواستگاری می‌گه بچه‌ها تو بده به مادرت تا من راحت باشم»

ناهید: «من چون بچه دارم، کسی هم میاد خواستگاری به خاطر بچه‌ها پشیمون می‌شه»

امیرا: «خواستگار زیاد هست ولی اونا می‌خوان بچه خودشونو بیارن ولی بچه منو نمی‌خوان»

این تجربه را تقریباً تمام پاسخگویانی که فرزنددارند، بیان کرده‌اند.

دادن معنای مثبت به طلاق

زنان به طلاق با دید مثبت می‌نگرند و حتی در برخی موارد از طلاق به عنوان رهایی یاد می‌کنند.

امیرا:

«در حال حاضر بهترین کاری که می‌تونستم و می‌دونستم که باید انجام بدم همینیه مسلماً بهتر خواهد شد زندگی من به خاطر اینکه از اون شرایط در اومده. حداقل من به استقلال فکری رسیدم برای من آزادی از زندانه ... دیگه نیازی ندارم به یه آقای همش توجه داشته باشم نگاه کنم همه زندگیمو با اون تنظیم کنم....».

محبوبه: «نه. برای من طلاق چیز بدی نیست. اگه بود خدا نمی‌آورد این چیزو. می‌گفت اگه دو نفر با هم ازدواج کردن تا آخر عمر باید همدیگه رو تحمل کنن. چیز بدی نیست.... الان واقعا راحتیم».

فاطمه: «چون پسرم الان بزرگ شده، یه مرد شده با هم راه می‌ریم من راحتیم، در کنار پسرم خیلی راحتیم».

ستاره: «درسته که طلاق بده ولی این همه مطلقه دارن تو جامعه زندگی می‌کنن».

اعظم نیز می‌گوید: «دیگه زندگی درگذره. دروبریام برای هیچ و پوچ زندگی شونو خراب می‌کنن. بهونه است. آدم باید برای زندگیش تلاش کنه. زندگی ای هم که بیش از حد براش تلاش کنی فایده نداره، خوب اون آدم زندگی نبود هنوزم با کسیه، مواد مصرف می‌کنه».

مقوله‌های مربوط به پیامدها

ردیف	مقوله	سطح
۱	احساس خوشایند از جدایی	سطح خرد/مثبت
۲	داغ خوردن از سوی اجتماع	سطح کلان/منفی
۳	ارتقای رضایت از زندگی	سطح خرد/مثبت
۴	بیماری‌های جسمی و روانی	سطح خرد/منفی
۵	بی‌اعتمادی به جامعه	سطح کلان/منفی
۶	فرسایش سرمایه اجتماعی	سطح میانه/منفی
۷	درگیری با ماورا	سطح خرد/منفی
۸	تغییر سبک زندگی	سطح خرد/منفی
۹	افزایش مصرف رسانه ای	سطح خرد/منفی یا مثبت
۱۰	مشکلات اقتصادی	سطح کلان/منفی
۱۱	تقدیرگرایی	سطح خرد/مثبت یا منفی
۱۲	بدگویی‌ها و مزاحمت‌ها ی شوهر سابق و خانواده‌اش	سطح میانه/منفی
۱۳	سعی در پیشرفت اجتماعی	سطح میانه/مثبت
۱۴	بازاندیشی در معیارهای انتخاب همسر	سطح خرد/مثبت
۱۵	افزایش ساعات کاری	سطح میانه/مثبت
۱۶	باورهای خرافی	سطح خرد/منفی
۱۷	انزجار از رسانه‌های نوین	سطح میانه/مثبت یا منفی
۱۸	ارتباطات قوی ماورایی	سطح خرد/مثبت
۱۹	از دست دادن فرصت ازدواج مجدد به علت حضانت فرزندان	سطح کلان/منفی

۲۰	نگرانی‌هایی در مورد فرزندان	سطح کلان / منفی
۲۱	بی‌اعتمادی به جامعه	سطح کلان / منفی
۲۲	احساس تنهایی	سطح خرد / منفی
۲۳	پیشنهادهایی برای ارتباطات فرا ازدواجی	سطح کلان / منفی

بحث و نتیجه گیری

طلاق به خودی‌خود برای زنان مطلقه معنای ناخوشایندی ندارد و حتی برای تعدادی از آنان با «رهایی» توأم است اما زمانی که در مواجهه با جامعه قرار می‌گیرند با «روی دیگر سکه طلاق» برخورد می‌کنند؛ آنجا که تحت فشارهای جامعه قرار گرفته و «برچسب» می‌خورند و یا در معرض «پیشنهادهای برقراری روابط فرا زناشویی» قرار می‌گیرند.

در اینجا لازم است ذکر کنیم که پیامد ها برای زنان ، تصمیم‌گیری برای « اداره و کنترل پدیده طلاق» رابه همراه دارد.

در شرایط «حاکمیت گفتمان جنسیتی برای مردهای جامعه» و نیز «برچسب خوردن از سوی سایر زنان به عنوان یک تهدید برای زندگی مشترک زنان متأهل» و نیز «تغییر شکل حمایت‌های اجتماعی» زنان فرامی‌گیرند که باید به نوعی شرایط خود را از دیگران مخفی نگه دارند، زنان اقدام به استفاده از استراتژی «مخفی کردن شرایط خود از دیگران» می‌نمایند. البته در پاره‌ای موارد نیز برای رهایی از فشار جامعه تن به ازدواج مجدد می‌دهند هرچند که ناموفق هم می‌شوند. پیامدهای این پدیده برای زنان گرانبار است چرا که اکثریت آنها به جامعه بد بین شده و دید منفی نسبت به مردها پیدا کرده اند بنا براین به نوعی سرمایه اجتماعی خود را کاهش می‌دهند و البته در پاره‌ای موارد برخی زنان به صورت پنهانی وارد روابط فرا زناشویی می‌گردند که این امر به نوبه خود به موج طلاق دامن می‌زند .

اما برخی زنان نیز رفتار سازگارانه‌ای در پیش می‌گیرند و سعی می‌کنند با توسل به معنویات به استقبال پیامدهای طلاق بروند و برخی از آنان نیز پس از طلاق به طی کردن مراتب تحصیلی و شغلی و افزایش سرمایه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود می‌پردازند ناگفته پیداست که مشکلات اقتصادی بخش بزرگی از پیامدهای منفی طلاق برای زنان است؛ چرا که پیامدی که اکثر زنان مطلقه با آن مواجه می‌گردند استقلال نداشتن اقتصادی و به تبع آن وابستگی به خانواده خاستگاه است که عمدتاً این وابستگی با نقل مکان به منزل پدری است و تبعاتی از قبیل ایجاد تنش بین فرزندان و سایر اعضای خانواده زن و احساس سر بار بودن به همراه دارد. همان‌طور که ذکر شد فشاری که از سوی جامعه به زنان مطلقه وارد می‌شود نیز یکی از پیامدهایی است که در زمره بزرگترین مشکلات آنها جای دارد. از طرفی نتایج این پژوهش نشان داد که علی‌رغم مشکلات فراوانی که طلاق برای زنان به دنبال دارد

پیامدهای مثبتی نیز برای آنان به همراه دارد. هرچند که هنوز هم تمامی زنان نیاز به حمایت را احساس می کنند و از تنهایی در زندگی به شدت ناراحتند. تعداد زیادی از زنان با وجود مشکلات بسیاری که در زندگی قبلی داشته اند اما هم چنان تمایل به ازدواج مجدد دارند و این امر نشان دهنده پایداری زنان به خانواده و ارزشمند دانستن خانواده برای آنان است. زنانی که به علت دارا بودن حضانت فرزند امکان ازدواج برایشان فراهم نیست، با وقف خود برای فرزندان شان سعی می کنند از برچسب خوردن در جامعه رهایی یابند.

پیشنهادها

سعی در تغییر گفتمان جنسیتی جامعه مبنی بر امکان برقراری هر نوع رابطه ای با زنان مطلقه از آنجا که این کار یک امر فرهنگی است با آموزش مهارت های برقراری ارتباطات سالم برای زنان و مردان امکان تغییر این گفتمان وجود دارد.

به نظر می رسد زنان برای تصمیم گیری در کلیه مراحل هیچ گونه حمایت اطلاعاتی، روانی و ابزاری ندارند و باید به تنهایی به تحلیل شرایط بپردازند و تصمیم نهایی را بگیرند. اما از آنجا تعلق خاطر به زندگی و همسر دارند و از طرفی زندگی خود و فرزندان خود را در معرض آسیب می بینند دچار تشویش می شوند و تصمیم هیجانی اتخاذ می کنند و به اندازه کافی در مورد شرایط پس از جدایی نمی اندیشند بنابراین پس از جدایی نیز با نداشتن حمایت های لازم مواجه می گردند، احساس تنهایی و بی پناهی می کنند و آماده قرار گرفتن در شرایط آسیب زا می گردند. بنابراین لازم است که اقدامات حمایتی بیشتری در اختیار زنان قرار گیرد و آنان به انواع مهارت های زندگی مسلح گردند. باتوجه به کمبود پژوهش کیفی پیشنهاد می گردد دانشجویان و سایر محققان، طرح های پژوهشی خود را حتی الامکان با استفاده از این راهبر به انجام برسانند.

محدودیت های پژوهش

محدودیت پژوهش حاضر مربوط به جامعه هدف است؛ همان طور که ذکر شد زنان مطلقه به یک زندگی محافظه کارانه روی آورده اند و بنابراین تعداد خیلی زیادی از آنها حاضر به مشارکت در پژوهش نیستند و تعدادی نیز که مشارکت می کنند، قسمت هایی از تجربیات خود را بنا به همان محافظه کاری مسکوت می گذارند از طرفی عده ای نیز صرافت نفس ندارند و گویی از احوال و احساسات خود مطلع نیستند و باز بنا بر همان نداشتن صرافت نفس، عده ای از پاسخگویان بودند که پس از چند سوال اولیه منصرف می شدند و جواب نمی دادند. از طرف دیگر ظاهراً پاسخگویان با شیوه گردآوری در پیمایش - پرسشنامه - مانوس شده اند و قرار گرفتن در شرایط مصاحبه برای پاسخگویان کمی دشوار است.

منابع

پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه‌ی شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)

منابع فارسی

- استراس، آنس و جولیت کوربین، *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰
- سایت مرکز آمار ایران، مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۹۰، انتشارات مرکز آماری ایران، تهران
- شیخی، خالد و دیگران، «درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن (مطالعه ای کیفی)» فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ویژه نامه خانواده و طلاق، شماره ۱، ۱۳۹۱
- صادقی فسایی، سهیلا و مریم ایثاری، ۱۳۹۱ «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳، پاییز
- صدرالاشرفی، مسعود ۱۳۹۱، «آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راه‌کارهای پیشگیری از آن»، مجله مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، بهمن و اسفند
- محمدپور، احمد ۱۳۸۸، «تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها»، مجله انسان‌شناسی، دوره دوم، سال یکم، شماره پیاپی ۱۰، بهار و تابستان، صص ۱۲۷-۱۶۰

منابع انگلیسی

Gertina van Schalkwyk (۲۰۰۵). "Women's Reconstructions of self" Explorations of Post-Divorce Experience" ANZJFT Volume ۲۶ Number ۲ ۲۰۰۵ pp. ۹۰-۹

Kavas, serap (۲۰۱۰) " POST-DIVORCE EXPERIENCE OF HIGHLY EDUCATED AND PROFESSIONAL WOMEN" IN PARTIAL FULFILLMENT OF THE REQUIREMENTS FOR THE DEGREE OF DOCTOR OF PHILOSOPHY IN THE DEPARTMENT OF SOCIOLOGY, JULY ۲۰۱۰

Molina, o, (۲۰۰۰) "African amrican womens unique divorce experiences". journal of divorce & remarriage. vol ۱۳۲